

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۰۷ دسمبر ۲۰۱۷

ترجمه

السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۲۱

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة چهل وسوم

آنست: که بدانی که مرگ حق است و از پس مرگ زنده شدن حق است. و هر که حق نبیند اودهری و قرمطی و سفید جامه است. قوله تعالى: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ. وجای دیگر گفت: كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ. وجای دیگر گفت: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى. وجای دیگر گفت: أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى. زیرانکه هر که بعث را منکر شود، کتاب خدا را عزوجل و نبوت رسول را صلی الله وسلم منکر شده باشد. وجای دیگر گفت: وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ. و درین باب آیات و اخبار و اجماع و شواهد بسیار است. اما این مقدار کفایت بود خردمند را.

مسألة چهل و چهارم

آنست: که روز قیامت حق است، و راست داشتن مرآ را واجب. قوله تعالى: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ. وجای دیگر گفت: وَإِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ. وجای دیگر گفت: لَيَوْمِ الْفَصْلِ وَمَا أَدْرَايَكُمَا يَوْمُ الْفَصْلِ. وجای دیگر گفت: إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا. وجای دیگر گفت: يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ. وجای دیگر گفت: لَيَوْمٍ عَظِيمٍ، يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. وجای دیگر گفت: لَا تَأْتِيَكُمْ إِلَّا بَغْةٌ. وجای دیگر گفت: لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ. وجای دیگر گفت: أَتَى أَمْرُ اللَّهِ. اما خبر آنست: که رسول صلی الله علیه وسلم گفت: روز قیامت بنده قدم از جا بر ندارد که از چهار چیزش نپرسند: اول: از عمرش پرسند، تادر چه گذشته است، در طاعت یا در معصیت. دیگر از مالش پرسند، تا از کجابه دست آورده است و به کجا صرف کرده است؟ دیگر از جوانی اش پرسند، که جوانی اش در چه گذشته است، در طاعت یا در معصیت؟. و روز قیامت روز بزرگ و باهول است، و همه خلق برهنه باشند، مگر آن که برایشان فضل کند حق تعالی، و حله های بهشتی پوشانند. و گرسنه باشند، مگر آن که حق تعالی طعام بهشتی شان خوراند، و عایشه رضی الله عنها پرسید: که

روز قیامت زن و مرد برهنه باشند؟ رسول صلی الله علیه وسلم گفت: بلی یا عایشه! گفت: وارسوائیا! رسول علیه الصلوة والسلام گفت: یا عایشه! آنروز را از هیبت کسی نداند، که آن زنیست و یا مردست. پس در این معنی آیات و اخبار بسیار است. اما این مقدار بس بود خردمندرا.

مسألة چهل و پنجم

آنست: که بدانی که وتر سه رکعت است به یک سلام و حق بینی. زیرا که هر که و تریک رکعت کند، یا سه رکعت کند بدو سلام، به قول ابوحنیفه رحمه الله علیه، از پس آن نماز روانیابد. و رسول علیه الصلوة والسلام روزی گفت: ای یاران! امشب حق تعالی شمارا نمازی داد، و کرامتی کرد، که شمارا بهتر است از شتران سرخ موی سیاه چشم. گفتند: یا رسول الله! آن کدامست؟ گفت: آن سه رکعت و تراست از پس نماز خفتن تا وقت سفیده دم.

ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه روایت کند: رسول علیه الصلوة والسلام وتر سه رکعت گذارید به یک سلام، پس سه بار گفت سُبْحَانَ مَلِكِ الْقُدُوسِ.

و عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه روایت کند که: رسول علیه الصلوة والسلام وتر سه رکعت گذارید، و قنوت پیش از رکوع بود. و در خبر است: که سه رکعت نماز شام و تر روز است، و سه رکعت بعد از خفتن و تر شب است. و رسول صلی الله علیه وسلم و تر را مانند کرد به نماز شام.

و ابوسلمه روایت کند: که رسول علیه السلام و تر را سه رکعت گذارید. در رکعت اول سَبَّح اسم خواندی. و در رکعت دوم قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. و در سوم قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ.

و عبدالله بن مسعود رضی الله عنهما روایت کند: که رسول علیه السلام در خانه میمونه که خاتون رسول بود خفته بود. برخاست و در شب ناز و تر گذارد سه رکعت به یک سلام. و همه صحابه برین گرد آمدند، مگر گروهی که غائب بود. و محمد بن کعب قرظی گفت: رسول علیه السلام نهی کرد از بتیراء و بتیراء نماز یک رکعت بود و بعضی از خلفاء و صحابه و تابعین و امامان و ابدالان یاد کنیم که برین بوده اند.

اما اول از آن کسان یاد کنیم، که رسول علیه السلام برایشان به بهشت گواهی داد: ابوبکر صدیق و عمر فاروق و عثمان بن عفان و علی ابن ابی طالب و طلحه و زبیر و عبدالرحمان بن عوف و سعد بن وقاص و سعید بن زید و ابوعبیده جراح رضی الله عنهم.

و از یاران دیگر چون: عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و عقبه بن عامر و عمران الحصین و عبدالله بن شداد و ابوذر غفاری و حسن و حسین و اسود ابن یزید و ابی بن کعب و حارث بن قدام و معاذ بن جبل و حذیفه الیمان و انس بن الیمان و انس بن مالک و سلمان فارسی و بلال و ابو ایوب انصاری و ابوامامة الباهلی و وائل بن حجر و عایشه و حفصه و فاطمه زهرا و عبدالله بن زید و ابوبکر و حارثه و براء بن حارث و جابر بن سمره و جریر بن عبدالله الانصاری و سهل بن سعد الساعدین و عباده بن صامت و عبدالرحمن جبر و نعیم بن سلام و اوس بن بی اوس و ابونجیح السلمی و عبدالله بن جواد و ابوموسی الاشعری و عکرمه و قثم بن عباس و عدی بن حاتم و عباس بن ابی ربیع المخرومی و عثمان بن طلحه و شیبیه بن عثمان و ابومحذروة المؤمن و صفوان بن امیه بن خلف و عبدالله ابوشهاب المخرومی و مطیع بن الاسود و عبدالرحمن بن صفوان و عبدالرحمن جبر و اسود بن خلف و کیسان و خباب الارث و سهل بن عامر بن یاسر و عامر بن ربیع و ایاس بن بکیر و ارقم بن ارقم و قدامه بن مظعون و عکاشه بن محصن و سنان بن ابی سنان و عبدالله بن سفیان و طفیل بن حارث و محمد بن حارث و محمد بن اسلم و عباد بن بشر و قتاده بن نعمان الانصاری رضی الله عنهم.

این همه یاران رسول بودند و گفتند: ما مؤمنیم حقا، وایمان نکاهد و نیفزاید. وحدث امام حدثت و مسح موزه حق است. واز پس امام قرآن نخوانید و دست برندارید مگر به تکبیر اول. ووترسه رکعت گذارید به یک سلام، چون نماز شام. و چون خون آید وضو تازه کنیم. زیرا که رسول را علیه السلام بدین یافتیم. اما تابعین چون حسن بصری رحمة الله علیه که گفت: سیصد کس از یاران رسول را دیدم از ایشان هفتاد کس بدری بودند، و مرا حدیث کردند از رسول علیه الصلوة والسلام که آن گفت: زبان نگاه دارید از آن کس که بگوید: لا اله الا الله. خالص به دل. و کس را به گناه کافر مگوئید، و تقدیر نیکی و بدی از خدای عزوجل دانید! و ایشان همه روایت کردند، از رسول الله صلی الله علیه وسلم: که هر که از اهل قبله بمیرد، خرد یا بزرگ، بروی نماز کنید!

و رسول علیه السلام گفت: مرا فرمانست با کافران کارزار کنم تا بگویند: لا اله الا الله محمد رسول الله. چون بگویند استوار گرداند، خون خویش را از من. و شمارشان برخدایست عزوجل. و همه گفتند: که ایمان قولست به زبان و شناختن است به دل. و عمل و شرایع از ایمانست نه ایمان. و گفتند: از پس هر نیک و بد نماز کنید. و برامیران به شمشیر بیرون نیائید، و به ایمان خود به شک مپاشید. زیرا که هر که به ایمان خود به شک باشد آن کافر است.

و اما تبع تابعین چون: محمد بن کعب قرظی و عطاء بن ابی رباح و عوان بن عبدالله و علی بن الحسین بن علی و محمد بن جعفر بن محمد الصادق و عمر بن عبدالعزیز و داود و شریح و سیغان و ربیع بن خثیم و کعب الاحبار و وهب بن منبه و محمد بن واسع و مالک دینار و ثابت بنانی و محمد بن المنکدر و ایوب السختیانی و علقمه و شاذان بازان و ابراهیم النخعی و امام الاثمه ابوحنیفه و ابویوسف و محمد بن الحسن و زفر و حسن بن زیاد و عبدالله بن مبارک. و هفتصد تن از تابعین و تبع تابعین چنین گفتند: که ما مؤمنیم حقا، و از پس امام قرآن نخوانیم، و وتر سه رکعت کنیم به یک سلام، و قامت دو گانه کنیم و حدث امام را حدث داریم. وایمان نکاهد و نیفزاید. و از پس هر نیک و بد نماز کنیم. و هر کس را از اهل قبله به گناه کافر نخوانیم. بر موزه مسح کشیم. و به آب اندک که استاده باشد طهارت نکنیم. زیرا که اصحاب رسول علیه السلام بدین یافتیم، و آن کسان که دین ما بدیشان درست بود، و اکنون هست بدیشان درست.

و اما از فقها و صالحین: چون احمد حرب نیشاپوری و احمد حفص و احمد بن جعفر و محمد بن قایل و عصام بن یوسف و شداد حکیم و خلف ایوب و داود بن معاذ و علی بن اسحاق و علی بن حکیم بن جعفر و شیخ ابولیت سمرقندی و ابوحفص صغیر بخاری و عبدالله بن سلمویه بن یزید القاضی و عبدالله بن جعفر بن حفص و ابوعبدالرحمن ابی لیث؟ و ابو یعقوب الابداد و ابوسلیمان الجوزجانی و ابو عمر الضریر و ابولقاسم الصفار و ابوبکر الاسکاف و ابونصر محمد بن سلام و ابوعبدالله محمد بن سلمه و ابو احمد بن العیاضی و ابوبکر بن اسمعیل و احمد بن ابراهیم الضریر و ابوحسن النقاد.

همچنین چهارصد تن از امامان خراسان و عراق هم برین بودند، که یاد کردیم، هوه امامان هدی و کندخایان دین و بزرگان امت.

و اما زاهدان و ابدالان و عابدان چون:

صالح مری و ذوالنون مصری و فضیل عیاض و ابوبکر و راق ترمذی و احمد حضرویه و ابوبکر الواسطی و ابویزید بسطامی و ابراهیم الادهم و شقیق ابراهیم و حاتم اصم و اسلم الزاهد و حامد اللفاف و معاذ النسفی و ابراهیم سمرقندی و عمر بن اعجالان و ابوعمران و ابوعبیده و ابوزکریا و حسین واسطی و عبدالله انطاکی و عتبه الغلام و احمد نصرعتکی و ابوعتبان الزاهد و ابوبکر الملیله و صالح الاسود و ابوبکر الاصم و حساد البخاری و عمرک المهاد احمد برم و یوسف العراقی و ابواحمد ابن محمد الیزاز و ابوالقاسم الحکیم السمرقندی.

همچنین گفتند: که ما مؤمنیم حق، و وتر سه رکعت گذاردیم به یک سلام و به ایمان خود به شک نباشیم، وایمان نکاهد و نیفزاید. وقامت دوگان دوگان کنیم، وازپس امام قرآن نخوانیم، ودست برنداریم مگر به تکبیر اول. و هیچ کس را از اهل قبله سخن نگوئیم مگر بخیر، و همه از خدای عزوجل ترسانیم و همه از خدای عزوجل امیدواریم. و همه امامان خراسان و عراق را بدین یافتیم. و همه کسان که قول ایشان مقبول بود. و کرا زهره آن باشد که این را مخالف شود، مگر مبتدع یا هوادار یاضال باشد. و اندرین باب پانصد خبر است. اما این مقدار بس بود خردمند را